



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: علوم سیاسی گرایش: علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

بررسی مقایسه ای کارنامه اردشیر بابکان و یشتها در رابطه با مسئله هویت ایرانی

نام دانشجو:

بابک امیدعلی

استاد راهنما:

دکتر مصطفی یونسی

تیر ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم / آقای **بابک اسیدعلی** تحت عنوان

بررسی مقایسه‌ای کارنامه ادرسیه با بیان در شیخیه در راجعه! مسدود هدیه ایرانی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد

می‌کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر مصطفی یون		
۲- استاد مشاور	دکتر کتیرا نوری منیرا	استاد	
۳- استاد ناظر	دکتر شکور		
۴- استاد ناظر	دکتر صابری		
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی			

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **علوم سیاسی** است که در سال

۱۳۹۵ در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار

کاکم/جناب آقای دکتر مصطفی یرینی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **لایون مزارپور**

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **بابک اسیدعلی** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** مقطع **ارشد**

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **بابک اسیدعلی**

تاریخ و امضا:  ۱۳۹۰/۹/۵

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب...
مقطع...
مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:
تاریخ: ۱۳۹۰/۹/۲۵



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: علوم سیاسی گرایش: علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

بررسی مقایسه ای کارنامه اردشیر بابکان و یشتها در رابطه با مسئله هویت ایرانی

نام دانشجو:

بابک امیدعلی

استاد راهنما:

دکتر مصطفی یونسی

استاد مشاور:

دکتر کتایون مزداپور

تیر ۱۳۹۰

چکیده:

موضوع اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه ویژگی‌ها و وجوه مختلف دو متن کلاسیک؛ "کارنامه اردشیر بابکان" و "یشتها" در رابطه با مسئله هویت ایرانی است. هدف از این پژوهش شناخت و آشکارسازی بخشی از وجوه و عناصر مختلف سازنده هویت جمعی ایرانی در دوره ساسانی بر مبنای بررسی دو متن متعلق به این دوره تاریخی است. طبق نتایج به دست آمده از این تحقیق، هویت جمعی انعکاس یافته در این دو متن دارای وجوه مختلف سیاسی، دینی، سرزمینی و قومی است که به نسبت‌هایی متفاوت در دو متن قابل مشاهده است.

رهیافت این پژوهش، رهیافت تفسیری و روش به کار گرفته شده در آن روش تحلیل محتوا است. با استفاده از این روش هر دو متن به لحاظ کمی و کیفی و در دو سطح توصیف و تفسیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: اسطوره، سیاست، دین، سرزمین، هویت، ملیت، قومیت.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
د	فهرست جدول ها.....
ه	فهرست شکل ها.....
فصل اول : مقدمات و چهارچوب نظری	
۱	۱-۱ طرح مسئله.....
۵	۲-۱ دلایل پژوهش.....
۶	۳-۱ محدوده پژوهش.....
۷	۴-۱ دیدگاه نظری در شناخت هویت ملی.....
۱۰	۵-۱ مفاهیم.....
۱۰	۱-۵-۱ قومیت.....
۱۱	۲-۵-۱ ملت.....
۱۲	۳-۵-۱ دین.....

۱-۵-۴ سیاست..... ۱۳

۱-۶ روش تحقیق..... ۱۷

۱-۷ زمینه معرفتی متون..... ۱۸

فصل دوم : یشتها

۲-۱-۱ زمینه تاریخی..... ۲۳

۲-۲-۲ داده های یشتها..... ۲۸

۲-۲-۱ داده های دینی..... ۲۸

۲-۲-۲ داده های سیاسی..... ۴۱

۲-۲-۳ داده های سرزمینی..... ۴۵

۲-۲-۴ داده های قومی..... ۴۹

۲-۳-۳ تحلیل داده های یشتها..... ۵۰

۲-۳-۱ تحلیل داده های دینی و سیاسی..... ۵۱

۲-۳-۲ تحلیل داده های قومی و سرزمینی..... ۷۰

۲-۴ نتیجه گیری..... ۸۴

فصل سوم : کارنامه اردشیر بابکان

۳-۱-۱ زمینه تاریخی..... ۸۷

- ۹۲..... ۲-۳ داده های کارنامه
- ۹۳..... ۱-۲-۳ داده های دینی
- ۹۵..... ۲-۲-۳ داده های سیاسی
- ۱۰۳..... ۳-۲-۳ داده های سرزمینی
- ۱۰۷..... ۴-۲-۳ داده های قومی
- ۱۰۷..... ۳-۳ تحلیل داده های کارنامه
- ۱۰۷..... ۱-۳-۳ تحلیل داده های دینی و سیاسی
- ۱۱۸..... ۲-۳-۳ تحلیل داده های سرزمینی
- ۱۳۱..... ۴-۳ نتیجه گیری

فصل چهارم : مقایسه ویژگی های هویت ایرانی در کارنامه و یشتها

- ۱۳۲..... ۱-۴ مقایسه ویژگی های دینی و سیاسی
- ۱۳۸..... ۲-۴ مقایسه ویژگی های قومی و سرزمینی
- ۱۴۳..... ۳-۴ مقایسه ویژگی های هویتی در کارنامه و یشتها با مولفه های هویت قومی و ملی
- ۱۴۷..... ۴-۴ نتیجه گیری
- ۱۵۰..... منابع

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۴۰.....	جدول ۱-۲ : جدول داده های دینی یشتها.....
۴۴.....	جدول ۲-۲ : جدول داده های سیاسی یشتها.....
۴۹.....	جدول ۳-۲ : جدول داده های سرزمینی یشتها.....
۶۰.....	جدول ۴-۲ : جدول خویش کاری های هند و اروپایی.....
۱۰۲.....	جدول ۱-۳ : جدول داده های سیاسی کارنامه.....

فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۵۷.....	شکل ۱-۲ : رابطه انسان و ایزدان در یشتها.....
۶۹.....	شکل ۲-۲ : تصویر سازی دو قلمرو خودی و غیر خودی در یشتها.....
۱۱۸.....	شکل ۱-۳ : رابطه داده های دینی و سیاسی در کارنامه.....
۱۳۰.....	شکل ۲-۳ : رابطه داده های سیاسی و داده های سرزمینی در کارنامه.....

فصل اول: مقدمات و چهارچوب نظری

۱-۱ طرح مسئله:

در بحث از هویت ملی نظریه ها و دیدگاه های مختلفی تاکنون مطرح شده است. این نظریه ها را در نگاهی کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد. نظریه هایی که بحث از هویت ملی را مبحثی مدرن و مربوط به قرون اخیر می دانند و نظریه هایی که ریشه های هویت ملی را در قرون پیشین و پیش از دوران مدرن جستجو می کنند. در این میان بحث از هویت ملی در ایران دارای پیچیدگی های خاص خود بوده است. وجود لایه های هویتی چندگانه ایرانی، اسلامی و غربی و عدم وجود متون و داده های تاریخی کافی در مطالعات تاریخی و نبود تئوری های کارآمد و قابل انطباق با شرایط تاریخی ایران از این جمله اند. این مسائل منجر به ارائه نظریه های بسیار مختلفی شده است که بیشتر در جهت تقابل با یکدیگر و نفی کامل نظریه دیگر مطرح شده اند.

برخی از نویسندگان بر هویت ملی موجود و شکل یافته ای تاکید دارند که از دوره باستان تا دوران معاصر تداوم و استمرار داشته است. این دیدگاه را بیشتر در آثار تاریخ نگاران و ایران شناسان می توان مشاهده کرد. این موضوعی است که از سوی دو دیدگاه متفاوت به چالش کشیده شده است. دیدگاه نخست با مطرح کردن مفهوم امت، بحث از هویت قومی و ملی در ایران را رد نموده و مسئله را در

هویت اسلامی فراقومی پاسخ می دهد. در آثار متقدم نویسندگانی که دارای چنین دیدگاهی هستند، هویت ملی در ارتباطی مستقیم با ناسیونالیسم و حاکمیت ملی قرار می گیرد و تا پیش از دوران معاصر در جوامعی چون ایران موضوعیتی نداشته است. تا پیش از این دوران ملت به معنای دین و شریعت بوده است (داوری، ۱۳۶۴، ص ۴۵). به لحاظ هویتی، جدا از دین تنها عصبیت های قومی و قبیله ای وجود داشته اند. از این رو وطن واحساس تعلق به سرزمینی خاص دارای اهمیت نبوده و اساسا دارای بار هویتی نیستند (داوری، ۱۳۶۵، ص ۷۵-۸۰).

در آثار متاخرتر این دسته از صاحب نظران با چرخشی تئوریک شاهد رد موضوع هویت ملی از زاویه دیگری هستیم. برخی از نویسندگان با استفاده از تئوری های پست مدرن، هویت ملی در ایران را امری ابداعی تلقی نموده و با تاکید بر این موضوع که «فراتر از سیاست و قدرت حکومت، واقعیتی جمعی به نام ملت وجود ندارد» وجود ویژگی های مشخص و ثابت هویت ایرانی را بی اساس دانسته اند (کچوئیان، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲).

از سوی دیگر در زاویه ای متفاوت، با دیدگاهی روبرو هستیم که با مطرح کردن مسائل قومیتی و هویت قومی وجود هر نوع هویت یکپارچه در ایران معاصر و به طور کلی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران را نفی می کنند. این نگاه با برجسته کردن تفاوت های زبانی در میان اقوام مختلف معتقد است که اساسا تنها همین اقوام دارای هویتی مشخص بوده و موجودیتی به نام ایران را نمی توان تصور نمود (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲-۱۸۸).

جدا از این نظریات و در نگاهی کلی ما با دو دسته از نظریه ها روبه رو هستیم. نظریه هایی که بر هویت ملی ایرانی از آغاز ورود آریایی ها تا دوران معاصر تاکید دارند و نظریه هایی که با دلایل مختلف وجود هویت ملی در ایران را امری ابتدایی و متعلق به دوران جدید می دانند و از این رو حاضر به پذیرش

چنین هویتی نیستند. اما جدا از این دو طیف، دسته ای دیگر از نظریات هستند که بر فرایند تاریخی شکل گیری هویت ملی در ایران توجه داشته اند. در این دسته از مطالعات علی رغم اینکه هویت ملی پدیده و مفهومی مدرن تلقی می شود به هویت های پیشا مدرن نیز توجه ویژه ای شده است. البته این نظریات بیشتر در رابطه با جوامع و ملت هایی مطرح شده اند که دارای قدمت تاریخی بوده و پیشینه فرهنگی - تمدنی کهنی داشته اند. از این رو در رابطه با چنین جوامعی همچون ایران بحث ریشه های هویت ملی مدرن و هویت های پیشا مدرن موجود در ادوار تاریخی مبحثی مهم و قابل تامل بوده است. از چنین پژوهش هایی این نتیجه کلی استنتاج می شود که مسئله هویت جمعی در ایران امری صرفا مدرن نبوده و پیشینه تاریخی بیشتری دارد. به بیان بهتر هویت ملی در مفهوم مدرن آن امری جدید است، در حالی که پیش از این دوران می توان از گونه ای هویت جمعی ایرانی به جایی هویت ملی سخن به میان آورد (اشرف، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳-۱۴۵). در این رابطه دوره ساسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اهمیت از آن رو است که به اعتقاد این دسته از نویسندگان «نوعی هویت جمعی با تصور ایرانی بودن در معنای یکپارچه سیاسی و قومی و دینی و زبانی و زمانی و مکانی آن در دوران ساسانیان ساخته و پرداخته می شود» (همان، ص ۱۴۷).

در واقع موضوعیت این پژوهش نیز از اینجا آغاز می شود. زیرا در اینجا قصد بررسی مسئله هویت ملی در ایران به طور کلی نیست. بلکه قصد است تا با ملاک قرار دادن دیدگاه ذکر شده مبحثی خرد در دوره ای خاص مورد مطالعه قرار گیرد. این امر در ارتباطی مستقیم با عنوان موضوع مورد پژوهش قرار داد. در اینجا این نظریه که هویت ایرانی در دوره ساسانی شکل یافته است ملاک قرار خواهد گرفت. در واقع مسئله اصلی در اینجا این است که اگر وجود هویت جمعی ایرانی در عصر ساسانی را به عنوان پیش فرض بنیادین در نظر آوریم، بازتاب این هویت در متون برجای مانده از آن دوران چیست و این متون دارای چه تفاوت هایی با یکدیگر هستند؟ در اینجا محور تفاوت میان این متون رابطه آنها با حوزه دین و

سیاست است. به بیان بهتر تفاوت میان متون دینی و سیاسی در رابطه با هویت ایرانی موضوع اصلی پژوهش خواهد بود. البته در اینجا متون مورد بررسی به طور مشخص متن دینی - اسطوره ای یشتها (بخشی از اوستا) و متن سیاسی - اسطوره ای کارنامه اردشیر بابکان که به بازگویی فرایند شکل گیری دستگاه حاکمه ساسانی و به دست گیری قدرت ارتباط می یابد هستند. به نظر می رسد تا زمانی که دادهای تحلیلی لازم در اختیار نباشد نمی توان در رابطه با هویت ملی به طور کلی و هویت جمعی ایرانی در دوره ساسانی نظریه ای مستند و مستدل مطرح نمود.

بنابر این سوال های اصلی و فرعی این پژوهش دو سوال زیر هستند:

سوال اصلی :

هویت های برآمده از یشتها و کارنامه اردشیر بابکان در بستر مشترک سیاسی و دینی دارای چه تفاوت هایی با یکدیگر هستند؟

فرضیه:

هویت برآمده از یشتها دارای ویژگی قومی و هویت موجود در کارنامه اردشیر دارای ویژگی سرزمینی است.

سوال فرعی:

چه نسبتی میان ویژگی های قومی و سرزمینی و برداشت دینی و سیاسی از هویت ایرانی در دو متن وجود دارد؟

۱-۲ دلایل پژوهش :

دلایل ضروری انجام این پژوهش را می توان به دلایل خرد و کلان تقسیم نمود. در سطح کلان مهمترین مسئله و مشکل این است که از یک سو هم در حوزه فرهنگ عمومی و هم در حوزه علمی ما به یک باور به نسبت عمومی در رابطه با وجود هویت ایرانی روبرو هستیم که به شکل های مختلف و در آراء مختلف خود را نمایان ساخته است. اما در سویی دیگر هنگامی که به تئوری های موجود در رابطه با هویت ایرانی مراجعه می کنیم با نظریات بسیار متفاوت و متضادی روبرو می شویم. روشن است که در حوزه مطالعه بر روی دیگر کشورها نیز این تکثر دیدگاهی وجود دارد، اما به نظر می رسد در رابطه با ایران این موضوع از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. به نظر می رسد بخشی از این پیچیدگی در حوزه نظری به دلیل عدم توجه به داده ها و متون تاریخی و عدم بررسی دوره های تاریخی مشخص و وجود نقاط کور در برخی مطالعاتی که تا کنون انجام گرفته است می تواند باشد. این موضوع حتی در آثاری که به ریشه های پیشا مدرن هویت ایرانی در دوران پیش از اسلام توجه نموده اند نیز تا حدی به چشم می خورد. به همین دلیل در سطح خرد لازم است تا به بررسی متونی خاص در دوره ای خاص پرداخته شود تا ویژگی های هویتی دوره ای که برخی از نظریه پردازان آن را سرآغاز شکل گیری هویت ایرانی قلمداد می نمایند، آشکارتر شود. این دوره، دوره ساسانی است و متون مورد پژوهش متونی هستند که در دوره ساسانی به عنوان متونی زنده و کاملاً در ارتباط با حوزه های دین و سیاست به کار گرفته شده اند. به بیان بهتر دلیلی اصلی پژوهش در اینجا این است که نظریه هایی که به وجود گونه ای هویت ایرانی در دوره ساسانی اذعان داشته اند، به مباحث خرد همچون ویژگی های متفاوت و داده های هویتی موجود در متون مختلف به صورت مشخص و مستقیم نپرداخته اند.

۱-۳ محدوده پژوهش :

محدوده پژوهش طبعا و بنا به اقتضاء عنوان و موضوع به متن محدود خواهد بود. در واقع ویژگی های هویتی مورد نظر در اساس بر مبنای متون بررسی خواهند شد و داده ها و تفسیرها نیز متن محور خواهند بود. این به معنای عدم توجه به زمینه های تاریخی متون و عدم توجه به داده های تاریخی برون متنی نیست. بلکه به این معنی است که در اینجا دوره های تاریخی موضوع اصلی نیستند. طبعا نتایج به دست آمده از این پژوهش ممکن است تا حدی با پژوهش های تاریخی صرف همخوانی نداشته باشد، اما در اینجا لازم است تا خود متن ها مورد واکاوی جدی قرار گیرند.

به لحاظ حوزه های مطالعاتی نیز این پژوهش ماهیتی بین رشته ای دارد. این حوزه ها عبارتند از: علوم سیاسی، انسان شناسی، تاریخ و فرهنگ و زبان های باستانی.

این پژوهش به دلیل بررسی مسئله هویت ایرانی که در ارتباطی مستقیم با موضوع هویت ملی قرار می گیرد و با مفاهیمی چون ملت، قومیت، حاکمیت و حکومت در ارتباط است در حوزه علوم سیاسی قرار دارد. از سوی دیگر به دلیل اینکه متون مورد بررسی متعلق به دوران پیشا مدرن هستند لازم است تا از مفاهیم و نتایج به دست آمده در حوزه انسان شناسی استفاده شود. زیرا انسان شناسان مدعی هستند که مطالعاتشان طیف وسیعی از جوامع باستانی تا جوامع مدرن را مورد توجه قرار می دهد. اهمیت این موضوع بیشتر از این جهت است که این متن ها، متن هایی اسطوره ای - دینی - سیاسی هستند و بررسی اسطوره ها و ادیان موضوعی است که بیشتر انسان شناسان را به خود مشغول داشته است. در نهایت در برخی زمینه ها از آنجا که نیاز است تا تعبیر درست و دقیقی از برخی واژه ها و جملات به عمل آید بخشی از کار در حوزه تاریخ و زبان های باستانی قرار می گیرد.

۱-۴ دیدگاه نظری در شناخت هویت ملی :

به لحاظ نظری و در نگاه به هویت ایرانی همانگونه که در طرح مسئله آورده شد، در اینجا آن دسته از نظریات ملاک قرار خواهند گرفت که بر ریشه های پیشا مدرن شکل گیری هویت ملی در ایران توجه و تمرکز نموده اند. هرچند که در نهایت در برخی زمینه ها در پایان فرایند مطالعه و بررسی ممکن است نتایج به دست آمده در این پژوهش، با نتایج و آراء نظریه پردازانی که در اینجا ذکر آنها به میان خواهد آمد متفاوت باشد. اما به لحاظ نظری به این دلیل که مسئله هویت ایرانی در این نظریات در دوره تاریخی پیش از اسلام مورد توجه قرار گرفته است حائز اهمیت هستند و دیدگاه نظری پژوهش در نگاه به داده ها و موادی که به صورت متنی مورد مشاهده و تحلیل قرار خواهند گرفت را شکل می دهند.

در میان نظریه پردازانی که موضوع اصلی مطالعات آنها مفاهیم ملت و هویت ملی بوده و در رابطه با ایران نیز به ارائه نظر پرداخته اند آنتونی اسمیت از جایگاه مهمی برخوردار است. اسمیت با ایجاد تمایز میان مفاهیم ملت، اجتماع قومی و دولت به تعریف ملت می پردازد. به اعتقاد او ملت و دولت را نمی توان به صورت مفاهیمی مترادف به کار برد، زیرا مفهوم دولت بیشتر دارای جنبه رسمی و نهادی است و مجموعه ای متشکل از نهادهایی مجزا از دیگر نهادهاست که دارای انحصار کاربرد مشروع زور در یک سرزمین است، اما مفهوم ملت با مسائل فرهنگی و اجتماعی و احساسی ارتباط دارد و در واقع نوعی اجتماع است. از سویی دیگر ملت یک اجتماع قومی هم نیست زیرا علی رغم اینکه در برخی زمینه ها میان این دو نوعی هم پوشانی وجود دارد، اما اجتماع قومی لزوما با یک برنامه سیاسی و سرزمین تاریخی ارتباط نمی یابد و معمولا فاقد فرهنگ عمومی است. بنابر این ملت عبارت است از : «یک اجتماع انسانی دارای نام که در سرزمینی زندگی می کنند و دارای اسطوره های مشترک ، یک تاریخ مشترک ، یک

فرهنگ عمومی مشترک و یک اقتصاد واحد و حقوق و تعهدات مشترک برای همه اعضا هستند» (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

دیدگاه اسمیت در پاسخ به مسئله شکل‌گیری ملت‌ها در نقد پارادایم‌های موجود مطرح می‌شود. این پارادایم‌ها عبارتند از: مدرنیسم، جاوید‌انگاری، ازلی‌گرایی، نماد‌پردازی قومی و پست‌مدرنیسم. در دیدگاه مدرنیستی، ناسیونالیسم هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ کیفی امری متاخر، تازه و جدید و در واقع محصول مدرنیته است. بر همین مبنا ملت‌ها، دولت‌های ملی و هویت‌های ملی نیز پدیده‌هایی مدرن هستند. جاوید‌انگاری بر خلاف پارادایم مدرنیستی در تلاش برای اثبات این موضوع است که ملت‌ها در هر دوره‌ای از تاریخ و پیش از دوران مدرن نیز وجود داشته‌اند. ازلی‌انگاران ملت‌ها را به عنوان افرادی بیرون از علقه‌های اجتماعی و در «وضع طبیعی» در نظر گرفته و معتقدند آنها فقط در نظم طبیعی وجود دارند. «در واقع آنها در خصوصیات وجودی با خداوند شریک‌اند و سر‌منشاء همه چیزند. به عبارت دیگر ملتها "ازلی" هستند» (همان، ص ۷۷). نماد‌پردازی قومی علاوه بر با اهمیت قلمداد کردن عوامل عینی شکل‌گیری ملت‌ها بر عناصر ذهنی این فرایند تأکید داشته‌اند. این عناصر ذهنی شامل خاطره‌ها، ارزش‌ها، احساسات، اسطوره‌ها و نماد‌ها هستند. پنج‌مین پارادایم یعنی پست‌مدرنیسم بر مبنای نظریه جهانی شدن شکل گرفته است. پست‌مدرن‌ها تضعیف نقش مرزهای ملی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و احساسات ملی را برجسته ساخته‌اند. از میان این پارادایم‌ها نظر اسمیت به پارادایم نماد‌پردازی قومی نزدیک‌تر است زیرا وی معتقد است «رهیافت نماد‌پردازی قومی به دلیل توجه به ابعاد همگانی، اخلاقی و احساسی هویت‌های قومی و ملی می‌توانند به درک ما از استمرار و دگرگونی‌های این هویت‌های فرهنگی جمعی کمک کنند» (همان، ص ۸۶).

از آنجا که تحلیل اسمیت در نهایت بر ماهیت و نقش ملت‌ها در تاریخ معطوف است، وی به بررسی مسائل قومیت و ملیت در جهان باستان نیز پرداخته و در رابطه با ایران دارای نظر خاصی است. اسمیت